از درون



دیگران



تغییرات آبو هوا؛ واقعیتیانکار شده

میسه کریستنسن،نینامولر،لیبی رویین – مترجم:سودابه قیصری منبع: اوموند –نوامبر ۲۰۱۴

رسانه ها وقایع را مجزا و ترجیحا جنجالی پوشیش ر سال می در این می در از مدت مانند گرم شدن می دهندامااز موضوعات درازمدت مانند گرم شدن زمین که بیش از هر چیزی ما را تهدید می کند، غفلت

. در ابتدای سالهای ۲۰۰۰ رسانهها به مسائل تغییر آب و هوا زیاد می پرداختند و مسائلی مانند آب شدن بخهای قطبی را به تیتـر اول خود تبدیل می کردنداما روایت این فاجعه مدت زیادی در صدر اخبار نبود. در ست بُسَ از گفت و گوهای کپنهاگ دُر سال ۴۰۰۹، سکوتی تاگهانی رخ داد و پوشش خبری در سال ۲۰۱۰ نسبہ به سال قبل ۷۰ درصد کاهش نشان داد. لابی گران . سوختهای فســیلی و بســیاری دیگر از این سکوت سابی بهره بردند. تظاهرات مردم بسرای اعتراض به تغییرات آب و هوا در ماه سپتامبر امسال و در ست قبل از اجلاس آب و هوای سلزمان ملل در نیویور ک نشان داد با آن که شعار تظاهرات «دعوت به تغییر همه ستان د. به نمید مصور عصورت مصورت به تغییر مصد چیز» بود و بیش از ۱۵ هزار سازمان از سراسر جهان آن را امضا کردند، رسانه ها تغییرات آب و هوا، همایش ها و واكنشهابه آن رابهعنوان موضوعي كوتاهمدت در نظر . مي گيرند

. شـهرهای مختلف جهان تظاهرات برپا شـد و نظاهُرات نیویورک نظر بسیاری از رسانه ها را به خود جلب ُکرد. حُضُور بان کُیمون دُبیر کُلُ ســازمُانمللُ، لگور معــاون اول ســابق رئیسجمهــوری آمریکا، جين گودال نخستين زيست شناس بريتانيايي، سگولن رویال وزیر محیطزیست فرانسـه و حضور احتمالا مهمترین فرد«لئونــاردو دی کاپریو» نظر رســـانهها ا به خود جلب کر د. ر سانه های کوچک و کانال های دیجیتال برای تشویق مردم به حضور، حرکت و واكنش بهطور قابل ملاحظه و وسيع و جهاني به كار گرفته شدند. انتظار می فت سازماندهی کنندگان صدهزار نفر باشــند اما حدود ۳۰۰ تــا ۴۰۰هزار نفر به نیویُورَ کَ اَمدند و گزارشــگران،ایــن گردهماُیی را «بزرگترین تظاهرات اعتراض به تغییرات آب و هوا در تا, یخ»نامیدند.

... تصاویر نشـــان میدهد که دمهاهزار نفر خیابانهای منهتن راكه هميشه پراز خودرو، اتوبوس و تاكسي است

منهتن را ده همیشه پراز خودرو انوبوس و نادسی است کاملااشفال کرد دمبودند. نقل قول ها حماسی بودندی کاپریو خاطرنشان کرد که تغییر آب و هوا «هیچارین مساله زمان مااست» و بان کی مون هشدار داد: هیچ «برنامه B» وجود ندارد چون «سیاره B» نداریج.

ری ... ر مشکل اصلی با پوشش خبری تظاهرات این بود که ال ترین رسانهها بر خود اتفاق، افراد مشهور، بزرگی و فعال ترين رسان شکوه مراسم تأکید داشتند و استفاده از خبر و گزارش برای شـروع گفت و گویــی عمیق تر دربــاره تغییرات بوهوا و تاثیرات و نتایج آن را نادیده گرفتند. کسانی بومو و دبیر در و دبین این است. که در صفهای اول تظاهرات بودند، جوامعی که بیش از دیگران از تغییرات آب وهوایی آسیب می بینند، کار گران

جلال آل احمد از معدود نویسندگانی است که هم

در زمان حیات خود و هم بعد از مرگ زودرسس، تأثیر قابل ملاحظه ای بر اندیشه و کار جریان روشنفکری

معاصر گذاشت ساده دلانه خواهد بودا گرباطرح گفتمان

عبور،بخواهيمبهرويكردهايي يَرش كنيم كهسعي دارند

بابی ارزش خواندن یا با مطرح کُردن تاریخ مصرف برای اندیشه ها، از تباط مخاطبان را بگسلند. البته هیچ عاقل

سلیمالنفسی، زندانی شدن در حصار عقایداین بزرگان رانشانه خردمندی نمی داند آل احمد به این نکته حیاتی

و مسلم، واقف بود، سال ۳۹ که در اوج بود نوشت: «هر

نسلی جوابگوی مسائلی است مختص به خود» و در ادامه

گفت: «باید اُنچه را که میخواهی بسازی». بنابراین

توصیه به محصور ماندن در فضای فکری او نه توصیهای منطقی است و نه شدنی. اما تاریخ اندیشه معاصر، حاوی

عبرتهای فراوانی است. بخشی از آن، در متن و حاشیه نظرات آل احمد به وجود آمده است. گفتمانی که او در

كتابغربزدگىخُودمطرحكرد،چنينبود. ُ

آل حمد در کتاب «غربزدگی» به نقد مدرن

مظاهر تمدن غربی طی سال ها در ایران شکل گرفته بود. او از آن به بیماری یاد می کرد که حرکت متوازن جامعه

اتحادیهها، قربانیان طوفان ســندی، گرومهای بومی و هواداران فقراً در سطح جُهان هيچ جايي دُر صدر خُبرهاً مسائل مطرح شده توسط تظاهرات كنندگان درون فضای رسانه ها به سرعتُ بخار شده ُ واز یاد رفت، همان

اتفاقی کُه برای خود قَضیه اعتُ راضٌ رُوّی داُد (هر چند رویـداد را رویدادی تاریخی نامیدندامااین خبر چگونه بی تواند با خبرهای مربوط به سر بریدن توسط داعش یا ارى ابولار قابت كند؟) ، رص بردر همانطور که ناتاشا لنارد گفت: این حرکتها می تواند منعکس کُننده یا آغاز گر افزایش فعالیت سیاسی در خیابانها باشد و من امیدوارم که پس از راهپیمایی ماه سیتامبر شاهداین گونه تحر کات باشیم. جمعیتی بیش ر ، ۳۰ هزار نفر که در این تظاهرات شــرکت کردند به خانه برمی گردند و لباسهای گیاهی دســـتدوز خود را تامی کنند و تــا فراخوان جدی بعدی کــه آنها را به را تا تھی تعدیو کے در خوص جدی بعدی کے انہور ہے واکنش احساسی و لیبرالی دعوت کنده از خانه هابیرون نمی آیند اما ما نباید امکان پدید آمدن یک حرکت

سیاســی که در درون فعالیت آب و هوایی ریشه دارد و توسطمخالفان سرمایه داری پشتیبانی می شود اراندیده خشونتنامحسوسعليه آبوهوا

رابنیکسون در کتاب «خشونت نامحسوس و محیط

زندگی فقرا» به یادمان می آورِد که رسانهٔ های ، خشونت نامحسـوس علیه آب و هوا» را در مقاطعی طولانی از چرخه خبری فراموش می کنند. بنابراین وقتی تصاویر زیادی از نیویورک زیر آب رفته بر اثر طوفان سندی در ۲۰۱۲ در رسانه ها کار شد، تعداد . ر کر کر کر کر کر کرد. بسیار کمی خبر یا تصویر از قربانیان ۱۰ سال خشکسالی و قحطی در شاخ آفریقا دیده می شد هر چند که هر دو

جعه به تغییرات آبوهوایی مرتبط هستند. بــه خاطر روشــی کــه اخبــار آمــاده میشــوند، «خشونتنامُحُسوس» موردغفلتُ قرار می گیردو ما به «رسانههای آرام ومداوم» نیاز داریم تامطمئن شویم که بی عدالتی های دراز مدت نسبت به مردم و زمین مورد غفلت قرار نمی گیرند. یکی از این رادهاموز مهاهستند-که می توانیم آنها را رسانه آرام بنامیم مانند جنبش آرام غذا - که می توانند فضاها و نمایشــگاههایی را برای ترغیب واکنش نسبت به سلامت زمین در اختیارمان بگذارد: مردم موزهها را در فضای انسانی تماشا می کنند ومی توانیم پاسخ شخصی بیشتری را نسبت به مشکلات اساسی سیارهمان از آنها دریافت کنیم. در طولانی مدت، موزهها برای منظور ما بهتر هستند. در کوتاهمدت می توانند میزبان گردهمایی های چالش برانگیز باشند اما در درازمدت می تــوان از گالری ها، نمایشــگاهها و

. های آنان برای آگاهی بخشی استفاده کرد. موز مها باند مواظب مسائل داغ سیاسی باشند، زیرا موره زندگی یک گالری دایمــی غالبابیش از یک دهه است و حتی یک نمایشگاه موقت هم زمان زیادی برپا

دقیقاموضوعاتی که «رسانه سنتی و سریع» به آنهاهیچ توجهی ندارد. اما با وجودی که پارامترها در حال تغییر ر . پی هستند، در گالری راهی برای تمرکز و توجه به موضوع صلی وجود ندارد، بنابراین بایــد روی اصول و دادههای تحقيقاتي محكم تمركز كرد

. ۱ «انسان شناسی» هنوز دورهای فرضی است و هر چند که این لغت بیش از یک دهه است کـه در بحثهای تکنیکی استفاده میشود، بررسیی باز دیدکنندگان . بی سیال ۲۰۱۲ تشان می دهد که لذت کشف و خت آن برای مردم تازه بوده است، بازدید کنندگان کنجکاوبودند که درباره آن وهمین طور در مورد گالری اختصاص داده شده به آن بیشتر بدانند. **شکلات را ذوب کنیدنه یخ قطبی را**

پس بهتر است رسانههایی که بهطور دوستانه شعارهای خاصی از افراد شــر کت کننده در تظاهرات آب و هُوا مائنــد may the forest be with you یا «شکلات را ذوب کنید نه یخ قطبی را»از طریق توییتر منتشـر کردند را فراموش کرده و تصـور نکنیم که به سرعت در علایق شـر کت کننده ها ذوب و با آن همراه

در نظر گرفتن راههایی که در آن منافع فطری «رسانه

ر ۱۰ .. چنین دخالتهایی تاثیــرات ویرانگری بــر افکار عمومی و فعالیت بر موضوعی دارد که قبـل از اُن هم به اندازه کافی پیچیده بوده اسـت. افشـای اینترنتی ایمیل هایی از دانشــمندان آب و هوای دانشگاه (ایست آنگلیا) بریتانیا به رویدادی رســانهای به نام «کلایمت گیت» تبدیل شد. با این وجود تحقیقات وسیع توسط دانشگاه ثابت كرد كه اتهامات غالبابى اساس است اما نجى هانشان مى دهد كه اين اتفاق باعث شد بسيارى در آمريكااميدشان به تغيير آب وهوارااز دست ظرسنجى ها همچنين به سه مشکوکتر در بر بتانیاتغییر کر د

خواهدبودو فقط موضوعات دراز مدت به سطحمي آيند-

موزههاییمثل موزه تاریخ طبیعی آمریکادرنیویورک وموزه آلمان در مونیخ نمایشگاههایی برپاکر دهاند که به نُوعَیُ «رسانه آرام» را در معرض دید قرار داده است.موزه آلمان–بزرگترین موزه علم و تکنولوژی در جهان–در ۴ دسامبر گالری مهمی را افتتاح کرد: «به شناخت انسان خوش آمدید» که روی ایده عصر جدید زمین شناسی و مصرف سوخت فسيلي كه منجر به تغييرات بيولوژيكي وفیزیکی دُر شکل سیار مزمین شُده استُ، فعالیُتُهایی

خُنك شدن زمين معتَّقدند-از طريق رسانه ها به گوش مردم رسيده است.

معیارهای خبرنگاری ازجملـه بی طرفی، بی غرضی و حفظ تعادل با محدودیت شـدید زمان، فضا، منابع و

فضای بیرون رسانه مانند میزگردها و سخنرانی های قصای بیرون رست محمد میر مردمه و ستسری می متعدد به دلیل رقابت رسانهای باید خیلی سریع ارزیابی و در حد مدیوم هر رسانه تنظیم و چاپ شود. با این ر کر وجود حتی اگر رادحل بزر گترین چالشـــی که جهان ما با آن روبه روســـت-تغییر آب و هوا واضمحلال محیط ت نیاید، فهم و در ک ىست–ا; طريق , سانەھا بەدس یح عموم مردم از خطرات و حرکتهای لازم برای

پیشگیری،اساسیاست. چیزی که به تأثیر اجتماعی گزارش، میرساند این است که اتفاق باید چشمگیر بوده و جدا از میانل دیگر دیده شود و طبیعت ناپیوسته گزارش قادر به جدیت موضوع برای شــنوندگان و بینندگان نیست. فرهنگ عمومی نقشی کلیدی در این ناپیوستگی دارد. ر فیلم پرهزینهای چون «روزی پس از فردا» گرم شدن زمین وانجمــاد را بهعنوان حادثهای ســریع و فاجعهای رین رسی کرد. ناگهانی به تصویر می کشد و گاهی نشان می دهد که علم می تواندراه حل سریعی پیشنها ددهدیامی تواندچشم|نداز

بدتر شدن اوضاع محيطز يست را بهعنسوان اتفاقى . ر _ _ کار ر _ کار ر _ کار ر _ کار ر ـ ـ کار ر ـ ردُسرسَاز» ٔ سوژهای مطالعاتی بود در مورد این که چگونه تغییر آب و هوایی می تواند بسه قصهای باب روز بدیل شـود و حتی در میان کسـانی که فیلم را هنوز ندیدهاند به بحث اجتماعی وسـیع تــری در مورد گرم شدن جهان منجر شود. سـاخت فیلم مستند خوب، نوعی ژورنالیســـم در فُرمی طولانی و آرام است.این ُنوع ژورنالیسم می تواند کمک کند، همانطوری که موزهها می توانند گاهی از تکنیکهای رسانههای جمعی برای جذب افراد بیشتری استفاده کنند. کلید این معما نر کیب بهترین عناصر , سانه آرام و سریع است برای

ر ۱۳۰۰ به همه درباره چیزی که زندگی ما را تحت تأثیر قرار دادهاست، آگاهی بدهیم. ، می سه کریستینسن/ستادمطالعات/رتباط و رسانه شگاه اســـتکهلم، لیبی رابین استاد محیط و جامعه دانشگاه ملی استرالیاونینا مولر سرپرست نمایشگاه های مرکز راشل کارسون موزه آلمان است.

را الوراسية (1- Natasha Lennard, "The People's Climate March Could Have Been Huge, But It Wasn't Historic", Vice News, 23 September 2014.

2- Rob Nixon, Slow Violence and the

mentalism of the Poor, Harvard

University Press, 2011. 3- The 2004 American climate fiction-

3- The 2004 American climate fuction-disaster film co-written and directed by Roland Emmerich. 4- The 2006 Academy Award-winning film and box-office success directed by Davis Guggenheim about former US vice-president Al Gore's campaign to educate citizens about global warming

دیالوگ برقرار باشد،البته در یک کانتکست دیگر یعنیفضایمجازی.» سد ۲۲ ساله است. یک پسر جوان که اتفاقا رابطه خوبی با خانــواده دارد و هر روز حرفهای ربید و بین به مصوبه در و مرور روز مرسدی جالب و اتفاقیات روز میرهاش را بسرای اعضای خانسوادهاش تعرفی می کنند. «من حسرف زدن را دوست دارم، مخصوصا اگر قرار باشد حرفهایی کهمی زنیم در مور دموضوعات هیجان انگیز و شاد باشد احساس می کنم این هیجان را می توانم به . طرف مقابلم منتقل کنم برای همین هم هیچوقت فکر نمی کنم که یک گفت و گوی رو در رو می تواند جای گفتو گو در فضای مجازی را بگیرد. من فکر جبی نصبو بودر فصای معجری رابتبور می فعر می کنم یک بخشے از حرف نزدن خانواده هابر شخصیت ذاتی اعضای خانواده بر می گردداین که در کل آدمهای آرام یا درونگرایی هستند، مثلا پدر من کلاآدم آرامی است. برای همین سخت پدر من کلاآدم آرامی است. برای همین سخت اتفاقاتي كه دوروبرش مي افتدراً برايمان تعريف می کند. این رفتار او حتی در محیط کارش هم ثابت است. برعکس آدمهای پر انرژی هر گز قید حرف زدن را نمی زنندو برایشان تفاوتی هم ندارد

تینا ۱۳ سال سن داردو دلیل کم صحبتی های

مجازي شده يعنى همه در وایبر و شبکه های اجتماعی دیگر هستند و حتی در آنجا گفتوگو قوی تر هم شده است. خانواده ها گروپ دارند.مثلادخترخالهها، خالهها واقوام درجه دو آنجا هستند و هر روز با هم معاشرت می کنند. متی آنهایی که تا قبل از این گروههای اجتماعی عید تا عید فرصت می شد با آنها معاشرت كنم، الآن هر روز با همحرفمىزنيم

ا ماحتی بین جوان ترها که اکثر گفتو گویشان با خانواده یا حتی دوستانشان در فضای مجازی . وشبکههای اجتماعی شکل می گیردهم کسانی هســـتند که هنوز اصالت گفتو گــوی رودررورا مهم میدانند. فــروغ می گوید بـــا آدمهایی که رابطه صمیمانه داری مثل مادر روابط مجازی نمی چسبد و ادامه می دهد: «حتی با تلفن هم که حرف می زنسی، حرفت را نصفه می گویی و دلت می خواهد که در دیدار حضوری صحبتات را کامل تر کنی. حضوری یک چیز دیگر است. در گفتو گــوی مجـــازی میمانی چـــه بگویی. من بارها شده وسط همین چت و مسیج گفتم: باید ببینمت. این طور نمی شود با آدمهایی که خوب نمی شناســـی یا صنمی نداری یا در همان حد دور دوســـت داری، گپوگفت مجازی خوب عد تور فوست دری، مهور عدد تدبیری خوب است اما برای خانــواده یا دوســـتان نزدیک که گاهی از خانواده بــه آدم نزدیک ترند به نظرم به درد نمی خورد ولی خب برخی بنا به شرایطشان مجبورند»

جلال آل احمد و پرسشى كه هنوز باقى است

عزت اله مهدوى دبير فلسفه



غربی سُخن میرانــد) و درسـت اسـت که سالها قبُل تر، سنت فلسفی متاثر از «هایدگر» به نقد «تعبیر تکنیکی» و فنی اندیشه، به أنسان كه باجدا شدن از عنصر حقيقي اش به انحطاط یافتد، به نقد اومانیسم و حتی لیبرالیسم در صورت إيجش درنهادهاي مسلط مغرب زمين ، ير داخته بود ، اما . أنقدرها هم كه «فرديد» و شاگردانش وانمودمي كردند جلال آل احمداز ویژگی های پروژهای که مطرح شده

بود بی اطلاع نبود.وی در پی بررسسی وضعیتی بود که

کرده، البته او از «ماشـــ

و هجوم جبریش» سخن گفت اما نه بــه آن صورتی

که داریوش آشوری در نقد

فصلهایسی از غربزدگی،

آن را به «اتومنیان» فرو

مي كاهدا (آل حمد از زي

-خادم ماشین بودن، یعنی از سیطره فرهنگ وایدئولوژی

در آن سيطره تمام عيار تفكر تعبیسری در نظسر بیاوریم کسه قبسل از او فخرالدین

مقالات آل احمد در غربزدگی بیانگر جرأت یک ر برجرت می بیعصر ، ریسنده روشنفکر است که بااستفاده از بضاعہ تأريخي و أجتماعي و مبادلات اقتصادي أن روز گار، به سیاستهای کلان حاکم بر فعالیتهای دولتی توجه کرده و به نقد وضع موجود می پرداز د. هر چند انتظار تحقیق آکادمیک و به دور از هیجان از این قبیل

تكنيكى به بروز نيهيليسم ویرانگــر میانجامیــد. در بمسان مقسالات كتساب فربزدگی همواره اذعان ساس و فلسفه تمدن غرب ر سرتاسسر کتساب، نوعی بنصر تعلیق ظاهر است. قطعانبايد پروژه آل احمداز فربزدگی رانیز به همان

نويسندگان كەدايمادرسايەزاويەپيداكردن,احكومت هستند و با درک شسرایط پر از استرس و نگرانی که داشتهاند،انتظاری رویایی و دستنیافتنی است. كتاب غربزد كي دريي فراهم أوردن پرس است: در شرایط بغرنج عقبماندگی های اقتصادی و به

تبع أن فلج بودن نهادهاي اجتماعي يك جامعه م چه می توان کرد؟ و چگونــه می توان در مواجهه با موج ب ای را کر بر بر ای رای مطلوف به تجددخواهی، بین مدرنیزاسیون و سنت حاکم بر جامعه ایرانی مناسباتی درست برقرار مود؟ پاسخى كُه آل احمدبُه پرسش خودمىُ دهديعُنى در اُختیار در آوردن ماشین و ساختن آن براساس نیاز معقول و در عین حال حفظ ارزشهای سنتی جامعه، باتعارضات پیچیدهای مواجه است، حداقل این که اساسا تکنولوژی، پدیدآورنده فرهنگ و هنجارهای خاص ، است و از خود بیگانگی منبعث از آن، مسالهای قابل تأمل خواهد بود. بهرغم گردو خاکی که برخاسته ما هنوزُ در گیر طرح این پرسش و تفهیم و تفاهم پیرامون آن هستیم، گویی هنوز از کتاب غربزدگی، سرفنظر از بعضی مضامین ســپری شــده آن، عبور نکردهایچ،نسبت جامعه ماو تاریخ دویست ساله ما هنوز بااین مضمون،نسبت پرسش و مساله است. بااینمضمون،نسبت پرسشومس



مفرط دارند» این را پدر ادادی پر حقی ها برخی کهمعاشرتی فرزندانشان گلممند باشند تقی آزاد ارمکی، جامعهشناس و استاد دانشگاه

ر کی کی . نهران در ایسنا اعلام کرده و ضمن گفتن این که خانواده پرآسیب ترین نهاد در ایران است، گفته است: «حرف غزدن و گفت و گونکردن بین نسلی، بین فردی و بین جنسیتی در میان خانواده ها به چشم می خورد حتی آن جا که خانواده ها با هم محبت می کنند به دعواو خشونت می انجامد.» شـاید یک نگاه اجمالی به آخرین باری که در کند. فروغ که در شـهر دیگــری دور از خانواده زندگی می کند، می گوید: «آره، خیلی کم شده خیلی زن و شــوهرهای اینجوری دیدم. نه تنها خانوادههای ایرانی بلکـه غیرایرانی ها هم کمتر ر کی ... حرف می زنند. فکر کنم تا حدی به شرایط زمانه هم برمی گردد. به این که خانسواده کمتر دور هم هستُندو کمُتر فرصتَدار ند.»وقَتی از اومُی پُرسُم که بیشتر در خانه با چه کسی صحبت می کند، مے گوید: «ما پنجشنبه، جمعهها دورهم جمع ___ میشویم،غیر از آن دوروز،بقیه روزهاهر کسی در

طسرح نسو | «خانوادههای ایرانسی کم حرفی

فقط درمورد مسائل سیاسی و اخبار روز حرف میزنجولی بامادرم بیشتر.» عاشــرتكردُن با يكدُيگر بهحــدى از تفاهم و فضاهای مشــترک هم نیــاز دارد که معمولا با

بُررگشدن فرزندان، کمتر میشود. با این حــال هنوز حرفزدن از اتفاقــات روزانه سرحران ر پادرگیریهای ذهنی در ـ ترين حجم معاشرتراتشکیل می دهد. فروغ درمورد موضوع صحبتها می گویسد: «من توی خانــه بامــادرم از همه صُميمي ترم با پدرمُ زياد نه. أدم خشكي است. ساكت نمي زند. كلا از اول اينجوري ه. أما با مادر م أز اتفاقات روز بوده.امابامادرمازاتفاقاتروز بگیر تا حرفی کـه توی دلم مانده باشد يااتفاقى كهافتاده باشد، حرف می زنیم مثلا فلانی که یادت است، این طور شده یا از خودم، درس، کار،

. چیزهایی که خوشحال یاناراً حتم کنند یااین که ینده چطور می شود.»

ميتراهم شاغل است وتنها زندگي مي كند و اعتقاددارد که مشکل خانوادهها کم حرفی نیست بلکه تغییر شکل گفت و گواست. او می گوید: حتى در أن جا گفت و گو قوى تر هم شــُده است پسرخالههاواقوام درجه دو آن جاهستندو هر روز باهم معاشرت می کنند. حتی آنهایی که تاقبل از این گروههای اجتماعی عید تاعید فرصت می شد با أنها معاشرت كنم، الان هسر روز با هم حرف

ہے۔۔۔ این نگاہ دیگر آسسیبی را ناشسی از کم حرفی ت متوجه خانوادههای ایرانی نمی داند. بلکه مدرن تر شدن و شکل گیری روابط جدید را امری در جهت نزدیک تر شدن و بهبود روابط می بیند: «به نظر مین خانوادهها اتفاقا چیون لایه های تحکمی از رابطه هایشان بر داشته شده، دوستانه تر و البته رب عیسی برحسه مفیدتر حرف میزنند. ممکن است کمتر باشد اما کیفیتش بالاتر است. البته تجربه من این را می گوید. بعد پدر و مادرها هم سعی می کنند که دنیایشان را به بچههایشان نزدیک کنند که

که بامادر خُود حرف می زنند یا دوست هایشان. شاید هر حرفی را نتوان به هر کسی گفت اما این دلیل نمی شود که ماکلاقید گفت و گور ابزنیم. خانه خودش است و فرصت نمی شود. من با پدرم

بحثهایی درباره رواج کم حرفی در خانوادههای ایرانی چقدرباهم حرفميزنيم؟

همه چیز به دوُستداشتن طرف مقابل ُو تَمایل برایمعاشرتبیشتربستگیدارد.»

سید ۱۱ سال سی نردودبین نیم صحبیه هدی موجود در جامعه را به دلیل بی حوصلگی می اند و می گوید: « شساید یکی از اصلی ترین دلایل کم صحبت تو گوها کردن به خاطر کم حوصلگی باشد جراكه خيلي از وقتها مادر و یا پدرم میخواهند با ں ۔ ۔ ۔ ۔ به دلیــل کار روزانه یا ســایر چیزهـــا آنقدر خســـتهام که می توانم یا به پای آنها بیایم بدر و مادرم شاید به خاطر باحوصلــه بودنشــان برای حرف زدن و تعامــل با من و دیگ اعضای خانواده همیشه حاضرند ولى ايسن حاضر بــودن هــم خيلــى وقتها نحت الشمعاع تلويزيون قرار می گیسرد. در حسال حاضر

می سیره در حس صحر دور هم نشستنها و حتی شبنشینی ها و مهمانی ها هم تحت تأثیر تلویزیون است و احتمالا همه ما با ایس صحنه مواجه شدهایم که در مهمانی عدهای پای تلویز یون نشسته اندو دیگران راهم به سكوت دعوت مى كنند تا كسى حرف نزند و أنها بتوانندبه راحتى تلويزيون تماشا كنند!»